



محسن توسلی برای «قدس» می خواند

محسن توسلی، خواننده و آهنگساز آثار موسیقایی با مضامین انقلابی و حماسی از تولید و آماده سازی یک تک آهنگ با زبان عربی به مناسبت روز جهانی قدس و روز مقاومت خبر داد. او در این باره گفت: از چندی پیش تولید یک اثری را با زبان عربی آغاز کرده ایم که ترانه آن توسط مرتضی حیدری آل کثیر، از بهترین شاعران عرب زبان

پای خاطرات قاسم رفعتی، خواننده سحرگهان که چند دهه است در ماه مبارک رمضان از رادیو و تلویزیون پخش می شود

هدیه ای به همه مردم ایران



آذر مهاجر

ادبیات و هنر

پُر برای چند دهه، هر ماه رمضان و هر سحرگاه با قطعه سحرگهان قاسم رفعتی همراه بود. البته در یکی دو سال اخیر کمتر این مناجات زیبا را می شنویم، اما هنوز هم بسیار اتفاق می افتد که گاهی در میان برنامه ها دقایقی از این مناجات به گوش برسد یا حتی گاهی به صورت زیر صدا توجه مخاطبان را به خودش جلب و یاد و خاطره سحرگهان گذشته را زنده کند.

قطعه سحرگهان با این مطلع: سحرگهان که مودن برآورد آواز / به روی دل شود از حق در عنایت باز، یکی از ماندگارترین مناجات های سحرگاهی است و برای چند نسل به خاطره تبدیل شده به خصوص برای دهه شصتی ها که روزه داری را با شنیدن این قطعه از رادیو آغاز کرده اند و احساسات معنویشان به نوای این مناجات پیوند خورده است.

مناجات سحرگهان را قاسم رفعتی در دستگاه بیات اصفهان خوانده و می گوید آن را از صمیم قلب به مردم ایران هدیه کرده است. رفعتی در هفتاد و پنجمین سال حیاتش، همچنان شاداب و بشاش است و با شوق درباره قطعه سحرگهان توضیح می دهد: توضیحاتی که به یک داستان جذاب و گیرا شبیه است؛ داستانی با اوج و فرودهای خواندنی و به یادماندنی.

خواننده سحرگهان کیست؟

شناسنامه اش می گوید متولد سال ۱۳۲۴ در تهران است، اما صدایش همچنان جوان مانده. قاسم رفعتی از استادان آواز ایرانی است و از ۱۲ سالگی با موسیقی ایرانی آشنا شده؛ گوشه ها و مقام های آواز ایرانی را آموخته و نزد محمود کریمی آن را فرا گرفته و بعدها نیز شاگرد استادان دیگری بوده از جمله محمدرضا شجریان. وقتی ربنای معروف در استودیو ضبط می شد، قاسم رفعتی حضور داشت و در همان سال ها بود که او نیز سحرگهانش را ضبط کرد، اما در جایی غیر استودیو و در شرایطی بسیار متفاوت تر از چیزی که به ذهن ما برسد.

رفعتی در یک خانواده اهل موسیقی به دنیا آمده بود و شعر را خوب می شناخت. جدش حاج محمد صادق، متخلص به (رفعت سمنانی) است که دیوان شعر دارد و صدای خوب هم در خانواده رفعتی موروثی بوده است.

بنابراین قاسم رفعتی خیلی زود وارد دنیای موسیقی شد. حوالی سال ۱۳۴۲ بود که در یک مسابقه ملی آواز نفا اول شد و از آنجا به رادیو راه پیدا کرد. به عنوان یک استعداد تازه در حضور استادان بزرگی چون مشیریهامیون شهردار، جواد معروفی، مرتضی محجوبی، علی تجویدی، حبیبپا.. بدیعی، همایون خرم، پرویز یاحقی و چند نفر دیگر که نامشان را به یاد ندارد، برای همکاری با رادیو آزمون داد و پذیرفته شد.

اولین برنامه ای که رفعتی در آن اجرا کرد، «شما و رادیو» نام داشت که جمعه ها صبح پخش می شد. همکاری رفعتی با رادیو ادامه داشت و وقتی مناجات سحرگهان ضبط شد، نزدیک به دو دهه از همکاری او با رادیو می گذشت و رفعتی یکی از حرفه ای های آواز ایران محسوب می شد.

آواز خالص، بدون ملحقات

مناجات سحرگهان یک قطعه آوازی است در فواصل بیات اصفهان که نه موسیقی دارد و نه افکت، یا به عبارت بهتر باید گفت زمانی که ضبط شد به این ترتیب بود اما آنچه ما از رادیو و تلویزیون شنیده ایم یا این روزها می توانید در جست و جوی اینترنتی بشنوید با افکت هایی از جمله صدای پرندگان همراه است. رفعتی می گوید همه این افکت ها بعدها به آن اضافه شده و تنها چیزی که همان زمان به این قطعه الحاق شده بود، صدای اذان معروف حسین صبحدل است آن هم نه به صورت کامل. بخشی از ابتدای اذان به انتهای این قطعه وصل شده چون مناجات سحرگهان برای پیش از اذان ضبط شده بود و زمان پخش آن دقیقاً قبل از اذان است؛ وقتی که روزه دار آمده می شود که از خوردن و آشامیدن امساک کند و به استقبال روزه برود.

این قطعه به گفته رفعتی نیاز به موسیقی نداشته و در همین رابطه تعریف می کند: اسدا... ملک، از دوستان و همکاران خوب من بود. نوار سحرگهان را از من گرفت که برای صدای من ساز بزند. یک ماهی نوار دستش بود ولی بعد آن را پس داد و گفت: رفعتی جان، این قطعه هیچ احتیاجی به ساز ندارد و همین طوری کامل کامل است.

یک اشتباه کوچک و ماندگار

این که خوانندگان دچار اشتباه شوند، تیق بزنند یا کلمه ای را اشتباه بخوانند، اتفاق عجیب یا تازه ای نیست اما معمولاً بعد از ضبط، اشتباه خواننده ادیت می شود. با این همه در قطعه سحرگهان یک اشتباه کوچک رخ داده که هرگز اصلاح نشده است. هرچند این مورد هم خیلی تازگی ندارد و برخی از ما، قطعات ماندگاری را می شناسیم که در جایی از آن خواننده اشتباه خوانده و همان طور مانده و هرگز اصلاح نشده است. ماجرای اشتباه در مناجات سحرگهان، جابه جایی یک کلمه است. شاعر این طور سروده: سحرگهان که مودن برآورد آواز/ به روی دل شود هر در عنایت باز/ برآورد مناجاتیان قدس خروش / زنده بر صف روشن دلا، صلائی نماز/ بیا به مجمع ایمانیان یک دل و یک دین / که این گروه به یک قبله می کنند نماز / مقام امن الهی، منادی توحید / عزیزتر حرم کبریا حريم حجاز / ز خواب، بخت بلندم به کوتاهی گرد / بگو مودن خوش لهجه برکشد آواز. اما قاسم رفعتی وقتی آن را می خواند، یک بار بعد از کلمه حريم به جای حجاز می گوید نماز. هرچند او در تکرار این مصرع، اشتباهش را اصلاح می کند و برای بار دوم می خواند حريم حجاز اما اشتباه اولش هرگز اصلاح نمی شود و به همین ترتیب می ماند. او درباره اصلاح نشدن اشتباهش می گوید: مرسوم نبود که حین خواندن چه آواز یا حتی دکلمه، کار قطع و اصلاح شود. معمولاً ضبط را به پایان می رساندیم و بعد کسانی که در اصلاح نوار صدا تخصص داشتند، آن را درست می کردند اما نمی دانم چرا این اصلاح انجام نشد و قطعه سحرگهان با همین اشتباه پخش شد و همین طور ماند و ماندگار شد. این قطعه هرگز بازخوانی نشد و گاهی قاسم رفعتی آن را در برخی محافل خوانده است از جمله در مراسم بزرگداشتش در تالار وحدت.

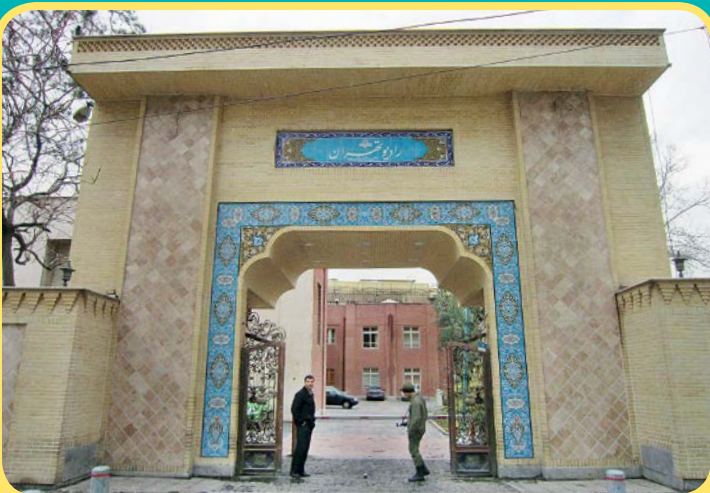
چرا سحرگهان ماندگار شد؟

خلوص کلمه ای است که قاسم رفعتی بعد از کمی تأمل و به زبان آوردن کلمات مشابه به آن می رسد و در پاسخ به دلیل ماندگاری مناجات سحرگهان، طوری تکرارش می کند که گویی جان کلام را یافته است. او می گوید: حال خوب به هیچ اثری راه پیدا نمی کند و از هیچ اثری دریافت نمی شود مگر این که واقعا در درون خواننده وجود داشته باشد. وقتی مناجات سحرگهان را می خواندم به راستی خلوص در من وجود داشت و امیدوارم بماند.

رفعتی فکر نمی کرده این مناجات ماندگار شود یا به عبارت درست تر اصلاً در چنین فکری نبود. تأکید می کند نه پول، نه شهرت و نه هیچ چیز دیگری وجود نداشت که خلوصش را بگیرد و این فقط درباره او صدق نمی کند. رفعتی معتقد است تمام هنرمندان نامدار و ماندگار در کارشان خلوص داشته اند و باید به تمامی آنها درود و رحمت فرستاد و از خدا خواست اگر در قید حیات هستند، خالصانه به کارشان ادامه بدهند.

برای رفعتی مناجات سحرگهان به باقیات صالحات بدل شده و می گوید: روزی که خواندمش امیدم فقط به خدا بود و آن را برای مردم کشورم خواندم و هدیه ای است از من به مردم شریف کشورم به این امید که همواره سلامت باشند.

توسلی از جمله خوانندگان شناخته شده ترانه های انقلابی است که طی سال های اخیر فعالیت های زیادی در عرصه تولید آثاری مرتبط با مضامین انقلابی و اجتماعی داشته است. این خواننده علاوه بر اجرای زنده ای که در کشورمان داشته در برخی کشورهای اسلامی نیز اقدام به برگزاری کنسرت کرده است. / مهر



شب قدری در میدان ارک

شب بیست و یکم ماه مبارک رمضان، در استودیوی رادیو در میدان ارک، قاسم رفعتی پشت میکروفن ایستاده. چند نفر در اتاق فرمان هستند که رفعتی از بین آنها مهدی سدیقی، تهیه کننده و فهیمی، صدا بردار را به خاطر می آورد. این گروه کوچک مشغول ضبط قطعه دیگری بودند از قاسم رفعتی با این مطلع: مناجات علی از سوی نخلستان نمی آید / صدای دلنشین شاه انس و جان نمی آید رفعتی به یاد می آورد حال غریبی داشتند و می گوید: آن شب اشک به چشم همه ما نشست. خلوص و حال خوش آن شب را فراموش نمی کنم. کاملاً منقلب شده بودم و گمانم این احساس از صدایم به دیگران هم انتقال پیدا کرده بود که آنها هم اشک ریختند.

مناجات سحرگهان و امام علی (ع)، دو نمونه از مناجات هایی است که قاسم رفعتی خوانده و این روزها با یک جست و جوی ساده می توانید تمام آنها را پیدا کنید و بشنوید اگر بیشتر از دو دهه از عمرتان گذشته باشد حتماً کلی خاطره با هر کدامشان در یادتان زنده خواهد شد.

مناجات بعد از نان و پنیر و هندوانه

قاسم رفعتی در رادیو کار می کرد، دوستان رادیویی زیادی هم داشت از جمله حسین صبحدل که از تهیه کنندگان قدیمی رادیو بود و یک اذان ماندگار هم گفته. سال ها از دوستی این دو نفر گذشته بود که به دعوت صبحدل قطعه سحرگهان خوانده شد اما نه در یک استودیو و نه حتی در ساختمان رادیو!

داستان قطعه مناجات را قاسم رفعتی این طور تعریف می کند: سال ۱۳۵۹ بود یا شاید هم ۱۳۵۸ و احتمالاً در آستانه ماه مبارک رمضان. حسین صبحدل که از سال های پیش با هم دوست بودیم، مرا به ناهار دعوت کرد؛ ناهاری در حسینییه ارشاد و اصلاً فکر نکند برنامه ای آنجا برگزار می شد یا مناسبتی بود. آن روز حسینییه ارشاد خالی بود، مثل یک سالن سینمای خالی. صبحدل با یک دستگاه ریل ضبط صوت و چند قطعه شعر آمده بود. با هم ناهار خوردیم؛ نان و پنیر و هندوانه، گپ زدیم و او چند شعر به من داد. از من خواست یکی از آنها را برای ضبط یک مناجات سحرگاهی بخوانم. نگاهی به شعرها انداختم و نمی دانم در آن لحظه چه حس و حالی داشتم یا به چه فکر می کردم یا به چه دلیل یکی از شعرها نظرم را جلب کرد؛ شعر سحرگهان.

شعرا خواندم و با آواز زمزمه کردم. بعد از سال ها کسب تجربه، می دانستم که بیات اصفهان برای خواندن این شعر مناسب است. دست آخر زدم زیر آواز و با صدای بلند آن را خواندم بی خبر از این که صبحدل داشت صدایم را ضبط می کرد. وقتی تمام شد، آن را گوش کردیم و هر دو راضی بودیم. به این ترتیب یکی از ماندگارترین مناجات های سحرگاهی در تاریخ موسیقی معاصر ضبط شد و از شبکه های رادیو و تلویزیون به خانه های مردم ایران راه پیدا کرد.



شاعری که پیدا نشد

شعر سحرگهان که نظر قاسم رفعتی را به خود جلب کرد، از سروده های شاعری است که حتماً مجرب کارآزموده یا دست کم مستعد بوده اما نام و نشانی از او در دست نیست. رفعتی فکر می کند شاید روزی که آوازش را ضبط کردند، روی آن کاغذی که صبحدل به دستش داده بود، اسم شاعر نوشته شده بود اما هیچ نامی به خاطر ندارد. هر چند او بعدها تلاش کرد، شاعر این قطعه را پیدا کند و موفق نشد. قاسم رفعتی می گوید بعد از ظهور اینترنت از فرزندانش خواسته نام شاعر را جست و جو کنند اما باز هم به نتیجه ای نرسیده و حتی در این گفت و گو از ما هم خواسته تلاشمان را در این باره بکنیم. جست و جوهایی اینترنتی ما به نتیجه ای نرسید اما شاید بتوانیم از طریق آرشیو سازمان صدا و سیما نام شاعر را پیدا کنیم و چه بسا خیلی زود تلفن روزنامه به صدا درآید و خود شاعر یا یکی از نزدیکانش او را به ما معرفی کند تا شاید این معمای ۴۰ ساله حل شود. ☞

